

The Sacred: An answer to the Modern Educational Void

Hamid Armani

PHD Student in Philosophy of Education, Kharazmi University of Tehran, Iran,
(Corresponding author), Hamid.armani@khu.ac.ir

Ali Salmani

Philosophy of Art, Associate Professor, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran,
salmani@basu.ac.ir

۶۳

پژوهشنامه ادیان

Abstract:

Retelling the topic of sacred knowledge is a necessity today. Science is not the only mundane research about nature, and nature can be explored carefully and with a logical view, and at the same time from a sacred perspective. Considering that the most important affairs of modern society are influenced by modern trends, why and how should ancient beliefs and values be revived? Man in the modern and rebellious world has lost his tranquility and peace, which is in the heart, due to deviation from reality, therefore, a group of contemporary people, in search of the sacred order and the recovery of man with meaning, on the one hand, looking for the way They have become fluent in meditation so that they can calm down their disturbed minds and overcome excessive brain activity that is characteristic of modern humans, and on the other hand, they have tried to recover the wisdom and reason of the body. In the traditionalist point of view of the modern world, the world is a social chaos in a special sense, so that in modernity no one sees himself in a position that suits him.

Keywords: Traditionalist Upbringing, Sacred art, Ancient Beliefs, Modern Superstitions.

امر قدسی پاسخی به خلأ تربیتی مدرن^۱

علی سلمانی^۳

حمید آرمانی^۲

۶۴

چکیده

پژوهشنامه ادیان

در نظرگاه سنت‌گرایی در دوره مدرن، نگرش کاملی به تعلیم و تربیت وجود ندارد. معتقدند در تربیت مدرن، کل وجود شخص مخاطب قرار نمی‌گیرد و این امر موجب تقدس‌زدایی از عالم و بی‌هویتی بشر مدرن شده و ارتباطش از پهنه معنوی بریده شده است، در نتیجه تربیت ناقصی است. آنان معتقدند که علم قدسی رسالت و هویت انسان را بهتر و صحیح‌تر توضیح می‌دهد و می‌تواند مبنای یک جهان‌بینی معتبر واقع شود. پژوهش حاضر این پرسش‌ها را بررسی می‌کند: با توجه به نگرش تربیتی مدرن و آثار و خلأ ناشی از آن، اندیشه سنت‌گرایی چه پاسخی برای خلأ تربیتی مدرن در بر دارد؟ پژوهش مورد نظر با استناد به منابع اصلی سنت‌گرایان و با روش پژوهش استنتاجی به استخراج اهداف، اصول و روش‌های تربیتی برآمده است. از نتایج پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: در وحدت دیدن خویش با عالم، رفع شکاف‌های درونی، فعلیت بخشیدن به تمامی امکانات نفس، نگاه معنوی به عالم به عنوان کلید حل بحران‌های حاصله دوره مدرن، هنر مقدس به عنوان شاهراه وصول به معنویت.

کلید واژه: سنت‌گرا، امر قدسی، علم مقدس، تربیت قدسی، هنر مقدس

سال ۱۹، شماره ۳۵، بهار و تابستان ۱۴۰۳

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵

۲. دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

Hamid.armani@khu.ac.ir

۳. دانشیار رشته فلسفه هنر، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. salmani@basu.ac.ir

مقدمه

سنت‌گرایی نقد قدرتمند و سازش‌ناپذیری بر جهان‌بینی مدرن است و لوازم مهمی برای مطالعه به‌خصوص دین در بر دارد. سنت یک نسخه از فرهنگ ازلی، ابدی، فرازمانی و فرامکانی است. همچنین طریقه چگونه زیستن از سرچشمه وحی است. تفکر مدرن تنها آنچه را به تجربه در می‌آید و دیدنی است را اصیل می‌داند و امور را تنها از فیلتر تجربی و استدلال عقلی عبور می‌دهد و از اینکه عالم بعد باطنی نیز دارد و هویت بشر در امور معنوی است، مورد غفلت واقع شده؛ بنابراین تفکر سنتی اهمیت می‌یابد تا بگوید نه تنها نباید عالم غیبی را انکار کرد که راه نجات و رستگاری بشر در آن است. سنت‌گرایان معتقدند که علم قدسی رسالت و هویت انسان را بهتر و صحیح‌تر توضیح می‌دهد و می‌تواند مبنای یک جهان‌بینی معتبر واقع شود این در حالی است که مدرنیته هر دانش غیر تجربی را محکوم می‌داند (لینگز، ۱۳۹۶ ص ۷۷).

معرفی سنت‌گرایی در یک نگاه کلی بدین صورت است: «گون نخست در قرن بیستم به‌صورت آشکار از سنت‌گرایی سخن گفت. چندی بعد، مکتب قابل توجه سنت‌گرایی با گون، کوماراسوامی و شوان، که در این گروه به‌عنوان شارحان برجسته جهان‌بینی دیرپای همه مردمان ماقبل تجدد شناخته می‌شوند، پا به عرصه ظهور گذاشت. این جریان با مطالعات بورکهارت، بالیس، لینگز و پری توسعه یافت و به گفتمان و جریان فکری خاصی بدل شد و تا نصر به‌عنوان برجسته‌ترین فرد سنت‌گرا در عصر حاضر ادامه دارد». سنت‌گرایان، بنا به تعریف، «عهده‌دار شرح و بیان فلسفه (حکمت) جاویدان‌اند که در بطن ادیان گوناگون و در پس صورت متکثر سنت‌های متفاوت جهان قرار دارد». آنان خود را وقف حفظ و توضیح صور سنتی می‌دانند که برخاسته از ادیان و حیانی هستند و دارای اثربخشی معنوی بسزایی است (الدمدو، ۱۳۸۹، ص ۲۰-۱۹).

بیان مسئله و ضرورت

با توجه به بحران‌های حاصله از نگرش مدرن، سنت‌گرایان معتقدند که امر قدسی رسالت و هویت انسان را بهتر و صحیح‌تر توضیح می‌دهد و می‌تواند مبنای یک جهان‌بینی معتبر واقع شود. پژوهش حاضر این پرسش‌ها را بررسی می‌کند: با توجه به آثار به بار آمده از نگرش تربیتی مدرن و خلأ ناشی از آن، اندیشه سنت‌گرایی چه پاسخی برای خلأ تربیتی مدرن در بر دارد؟ پژوهش مورد نظر با استناد به منابع اصلی سنت‌گرایان و با روش استنتاجی به استخراج اهداف، اصول و روش‌های

تربیتی آنان بر آمده است. انسان دنیای مدرن و عصیان‌گر به سبب انحراف از واقعیت، سکون و آرامش خود را که محل آن در دل است از دست داده لذا گروهی از انسان‌های معاصر، در طلب امر قدسی و بازیابی انسان حاوی معنا، از سویی به دنبال شیوه‌های مراقبه روان شده‌اند تا بدین وسیله بتوانند ذهن آشفته خویش را آرامشی ببخشند و بر فعالیت مغزی زیاد از حدی که مشخصه انسان متجدد است، فائق آیند و از سویی دیگر در صدد بازیابی حکمت و عقل بدن برآمده‌اند. در نظرگاه سنت‌گرایی جهان مدرن جهان هرج و مرج اجتماعی به معنای خاص است، به‌طوری که در مدرنیته هیچ کس خود را در مقامی نمی‌بیند که زینده اوست.

روش پژوهش

در فعالیت نظرورزان، تلاشی ترکیبی صورت می‌گیرد که طی آن با ترکیب یافته‌های علمی روز، نتایج تجربه‌های اخلاقی، زیباشناختی و دینی، تصویری از جهان و جایگاه انسان در آن فراهم می‌گردد که معنایی برای فعالیت‌های آدمی نیز مشخص می‌سازد. در فعالیت هنجارین، سعی بر آن است که هدف‌ها، هنجارها و استانداردهایی برای رفتار فردی و اجتماعی آدمی مشخص گردد که بر حسب آنها بتوان عمل انسان را جهت داد. فرانکنا بخش هنجارین را قلب فلسفه تعلیم و تربیت می‌داند و آن را روشی استنتاجی می‌خواند. در این روش دو مقدمه با هم ترکیب می‌شوند تا بتوان نتیجه‌ای را به صورت هنجارین مربوط به هدف یا روش، در تعلیم و تربیت فراهم آورد. پژوهش نظرورزان که در پی فراهم آوردن فرضیه‌هایی درباره انسان و جهان در ارتباط با فرایند تعلیم و تربیت است. پژوهش مورد نظر با استناد به منابع اصلی سنت‌گرایان و با روش استنتاجی در پی آن است تا به استخراج محتوای تربیتی آنان بپردازد. روش قیاسی فرانکنا در پژوهش‌های هنجارین برای استنتاج اهداف، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت به کار می‌رود (باقری، ۱۳۹۴، ص ۱۰۵).

پیشینه پژوهشی

اغلب آثار نگارش یافته در موضوع سنت‌گرایی بیشتر به وجوه فلسفی و دینی این جریان پرداخته‌اند و هیچکدام به طور خاص به موضوع این نوشتار نپرداخته‌اند. برای نمونه می‌توان موارد زیر را بر شمرد:

- آرمانی (۱۴۰۱). در مقاله‌ای تحت عنوان «جایگاه هنر مقدس در تربیت عصر نوین» بیان کرد که در عصری که چهره عالم تک بعدی تصویر شده، نگرش‌ها مادی‌گرایانه پرورش یافته و موجب تقدس‌زدایی و راز‌زدایی از عالم گشته، سنت‌گرایی در صدد است جلوه حقیقی عالم را بواسطه‌ی هنر مقدس بنمایاند و حقایق دین را که به تاریکی گراییده احیا کند. دینی که طریق صحیح زیستن را می‌آموزد، اکنون در شرایط مدرنیته جلوه‌ای نا‌زیبا و غیر جذاب به خود گرفته؛ هنر مقدس سببی است به جهت نمایاندن تصویری ورای تصور عصر نوین از حقایق عالم.

- فرهنگ (۱۳۹۴). در مقاله‌ای تحت عنوان «ساحت و حیانی دین از منظر سنت‌گرایان و نواندیشان دینی معاصر» بیان کرد که منظور از ساحت و حیانی دین، مجموعه ویژگی‌هایی است که دین در بدو شکل‌گیری کسب می‌کند. این ساحت به طور معمول، شامل اموری همچون مبانی ایمانی، متون مقدس، سنت بنیان‌گذار، تعالیم و مناسک اولیه می‌شود. اندیشمندان روزگار ما مبتنی بر خاستگاه‌های فکری خود، طیف وسیعی از دیدگاه‌ها را نسبت به این امور دارند، به گونه‌ای که در یک سر طیف، دین و حیانی کامل، معصوم، خدشه‌ناپذیر و ابدی انگاشته می‌شود و در سر دیگر، به عکس، انسانی، زمانی و قبض و بسط‌پذیر در نظر گرفته می‌شود. ساحت و حیانی دین شالوده و نظام یک دین را پایه‌گذاری می‌کند؛ در نظر سنت‌گرایان، این ساحت از دین، الهی، مقدس و مقدر است و ریشه در عالم جبروت، یعنی در مبدأ و رجعت‌گاه آخرت‌شناسانه دین قرار دارد. اما نواندیشان دینی اکثراً ویژگی‌های بشری را به این ساحت نسبت می‌دهند و آن را به منزله نهال دین تلقی می‌کنند که نگرش بنیان‌گذار دین به جهان را می‌نمایاند و پس از او رشد و تکامل می‌یابد.

- عطوفی (۱۳۸۹). در مقاله‌ای تحت عنوان «سنت‌گرایان» بیان کرد که سنت‌گرایی، یک جریان روشنفکری دینی است که در اوایل قرن بیستم در عرصه فکری و اجتماعی غرب ظهور کرد. سنت‌گرایان نیز گروهی هستند که در جریان ظهور و بروز مدرنیته، به تقابل با آن برخاستند و ساحت دنیای غرب را که در حال تیشه زدن بر پیکر انسان آسمانی و خراب نمودن عوالم فراتر از عالم مادی بود، با تندترین نقادی‌ها به پای میز محاکمه بردند و از انسانی که جویای اصل خویش بود، دادخواهی نمودند. این مقاله، حکایت جریانی است که هم در صدد تشریح نوعی دین‌شناسی است و هم دغدغه اوج‌گیری شیوه آثار و عواقب مدرنیته در سراسر جهان

را دارد. طرفداران این مکتب فکری معتقدند که مدرنیته، برخلاف اعتقادش، آدمی را گرفتار توهّم و سرابی نموده و باعث پیشرفت افقی انسان در جهان مادی شده است و این امر، به خاطر ماهیت مدرنیته است.

تعریف مفاهیم

سنت و سنت‌گرایی

در تعریف سنت می‌توان عرضه داشت که آن، حقیقت یگانه‌ای است که همیشه بوده و هست. این سنت ازلی مبدا همه حقایق است و همه سنت‌های زمینی، در واقع تجلیات این سنت آسمانی، ثابت و ازلی بوده و با آن مرتبط‌اند. و در معنای کلی تر می‌توان مشتمل بر اصولی دانست که انسان را به عالم بالا پیوند می‌دهد (نصر، ۱۳۸۲ ص ۱۶۵). سنت‌گرا بودن یعنی ملتزم بودن به یک سنت دینی خاص و ملتزم بودن به طلب فهمی از حکمت خالده. سنت‌گرایی تنها مستلزم نوعی تصدیق و پذیرش دینی نیست، که تعهد و التزام کل وجود شخص را مطالبه می‌کند، تعهد و التزامی که با مشارکتی مستقیم در یک سنت زنده به منصه ظهور می‌رسد (الدمدو، ۱۳۸۹ ص ۴۲۶-۱۱۵).

دین

تعریف دین با رجوع به وحی امکان‌پذیر است. دین شامل حقیقت و راهی برای رسیدن به آن است. هر دینی مطابق با نیازهای معنوی روحی مخاطبان خود بر وجه خاصی از حقیقت تأکید می‌ورزد. دین انعکاس دهنده سنت است. دین صورتی از سنت است لیکن نه صورتی جامع. دین در تعریف سنت‌گرایی شامل آموزه و روش برای درک و شناخت است. دین وسیله شرح و بیان حقایق است. در سنت‌گرایی هر دینی خود بسنده است و هر آنچه برای رستگاری ضروری است در بر دارد. در نظر آنان ادیان بیش از یک حقیقت و گوهر ندارند. تنها شرایط تاریخی و اجتماعی موجب شده تا این دین و حقیقت و یا سنت واحد، چهره‌ها و یا قالب‌های متفاوت به خود بگیرد (بورکهارت، ۱۳۹۴ ص ۶۸، شوان، ۱۹۷۶ ص ۲۲).

مابعدالطبیعه

مابعدالطبیعه برخلاف فلسفه متجدد، متوجه آن واقعیاتی است که خارج از محیط ذهن قرار دارند و

تغییر نمی‌پذیرند. عالم مابعدالطبیعه در صدد کشف یا ابداع و اثبات یک نظام فکری تازه نیست، که در طلب آن است که تا حد امکان درک مستقیم از واقعیت مطلق در قالب منابع محدود زبان بشری متبلور سازد. و در این کار نه تنها از منطق، که از سمبول و تمثیل هم بهره می‌گیرد. به علاوه، دانش مابعدالطبیعه همواره باید در بستر یک دین و حیانی پیش رود، و تحت حمایت سنت مورد نظر قرار گیرد، و همین سنت است که تکیه گاه های لازم برای تحقق یا فعلیت یافتن کامل تعالیم مابعدالطبیعی را تأمین می‌کند (الدمدو، ۱۳۸۹ ص ۲۱۶).

حکمت جاودان

تفکر مدرن تنها ذهن را ملاک در تربیت می‌داند اما تربیت سنتی حکمت ماندگار را اصل می‌داند و می‌تواند به انسان معنا دهد. حکمت جاویدان همان علم مقدس یا علم الهی است نه علمی که ساخته و پرداخته ذهن باشد. حکمت جاویدان کلید فهم تمام عیاری برای دین است. آن، خدا، انسان، هنر مقدس، عرفان، معنویت، و غیره را در بر می‌گیرد. از این دیدگاه حکمت جاودان، همان حکمت ماندگار، ازلی و ابدی است، که در قلب همه سنت ها، جای دارد و عالی ترین یافته آدمی است. و می‌تواند الگوی زندگی آدمی قرار بگیرد. عبارت یگانه و منحصر به فرد فلسفه جاودان، که همان حکمت جاودان است، به چیزی اشاره دارد که می‌کوشد انسان امروزی را از هزارتوی جهل و نادانی که جهان مدرن بدان گرفتار آمده است نجات دهد (کوئین، ۱۳۹۵ ص ۴۱).

انسان‌شناسی

در تربیت نوع نگاه به انسان حائز اهمیت است به این جهت که جایگاه و مقامش را در این عالم بداند و طبق آن اهدافش را ترسیم کرده و راهی به سوی آن بگشاید. در سنت گرایی انسان از اهمیت محوری برخوردار است طوری که دارای نیرو و ابزار درونی شناخت نامتناهی است. چیزی که تربیت نوین از آن چشم پوشی کرده است. عالم کوچکتر آینه عالم بزرگتر است، یعنی انسان جهان هستی را نشان می‌دهد. کارکرد قدسی انسان، از حقیقت و ماهیت اصیل او، غیر قابل انفکاک است. بخاطر همین، تعالیم سنتی، سعادت انسان را در آگاهی و زندگی او بر اساس هویت قدسی و دینی به عنوان پل میان ملکوت و ارض می‌داند اما نگرش نوین قائل به هویت قدسی برای انسان نیست (شوان، ۱۳۸۱ ص ۲۱).

امر قدسی

امر قدسی حاکی از تجلی عوالم برتر در ساحت‌های نفسانی و مادی هستی است. تربیت مدرن بعد باطنی انسان را به سطح روان فروکاهیده است. منشأ صدور امر قدسی عالم روحانی است که فوق ساحت روانی یا عالم نفس قرار دارد که هرگز نباید با آن اشتباه شود. بنابراین، در پناه حکمت جاویدان آنچه اولویت می‌یابد، اصول و موازینی است که نه فقط با عقل استدلال‌گر و فهم ظاهری که به مدد اشراق و شهود باطنی قابل استناد و استفاده است (نصر، ۱۹۸۸ ص ۱۳۵).

معنویت

مهمترین انتقاد سنت‌گرایان به مدرنیته همان خلأ معنویت است که منجر به بی‌هویتی بشر مدرن شده است. شوان، بحران اصلی دنیای مدرن را دور افتادن از سنت می‌داند و خروج از این بحران را همانا بازگشت به سنت می‌پندارد. وی معنویت را «سیر به سوی حقیقت و حقیقت را رفتن از اوهام به سوی واقعیت اعلی یا حقیقه‌الحقایق به مدد عقل عقل» می‌داند. «حقیقت» را همان بعد نظری یا طریق تعالیم و آموزه‌های معنوی سنت می‌داند (شوان، ۱۹۸۱ ص ۸-۷).

نقد مدرنیته

یکی از عقاید مهم و اساسی سنت‌گرایی نقد تجددگرایی است، به عبارت دیگر سنت‌گرایی در تقابل با تجدد پا به عرصه ظهور گذاشت. اولین و مهمترین نقد بر علم متجدد از نظر سنت‌گرایان، اعلان استقلال خود علم از مابعدالطبیعه است و معتقدند، علم متجدد به ورای قلمرو مخصوص و حقیقی خود دست اندازی کرده است. آنان غیر قدسی شدن و معنویت زدایی از عالم را بحران اصلی دوران متجدد می‌دانند (گنون، ۲۰۰۴ ص ۳۵-۳۷).

در دنیای مدرن نسبت به امکانات وجودی انسان شکاف عمیقی رخ داده و هیچ‌کدام کارکرد درست خود را باز نمی‌شناسند. سنت‌گرایی معتقد است اگر تمام این امکانات باهم عمل نکنند کارکرد درستی را شاهد نخواهیم بود و باید در یک جا جمع شوند و وحدت یابند. مثل عقل بدون شهود یا علم بدون اخلاق، احساس بدون تفکر و... یک ساعت برای اینکه زمان درستی را نشان دهد باید همه قطعاتش هماهنگ با هم کار کنند. انسان نیز همان‌گونه است. بنابراین یکی از اهداف سنت‌گرایان رساندن انسان به موضع وحدت است به موضعی که در آن جهان‌های متفاوت را از هم

جدا نمی‌بیند که همه آن‌ها را در یک چارچوب و در یک کل واحد قابل مشاهده می‌داند. در صورت رفع شکاف‌های درونی می‌توان به صلح و هماهنگی امیدوار بود. لازمه تداوم انسانیت در این است که انسان به امر متعال فراتر از خودش دست یابد. تنها سخن گفتن از خانواده‌ای انسانی امکان‌پذیر است که مبدأ مقدس خانواده درک شده باشد. به دور بودن افراد جامعه از اختلافات و خودخواهی‌ها و تعصبات جاهلی (نصر، ۱۳۹۳ ص ۹۹-۱۰۰).

اهداف تربیتی درست‌گرایی

دیدگاه تربیتی سنت‌گرایی چنین است که تربیت در خارج از دین نیز می‌تواند رخ دهد اما انتقاد آنان به نگرش تربیتی مدرن از این جهت است که در آن، کل وجود شخص مخاطب قرار نمی‌گیرد در نتیجه چنین نگرش تربیتی را ناقص می‌خوانند. آنان در صدد رشد آن ابعاد مغفول مانده آدمی در این عصر هستند. همچنین می‌گویند تقطیع و جداسازی تعلیم و تربیت از دیگر فعالیت‌ها، جامعه را به مخاطره می‌اندازد و همه اجزای وجودی را برای تربیت مهم تلقی می‌کنند. آنان معتقدند در سنت ابزاری در اختیار است که می‌تواند از آدمی کل یکپارچه ایجاد کند مانند ابزار هنر مقدس که در ادامه ذکر آن به میان خواهد آمد (جهانبگلو، ۱۳۹۵، ص ۱۱۶).

بازیابی امر قدسی

همه چیز نشانه امر قدسی است، اما برجسته‌ترین بحث امر قدسی در زمین وحی است. امر قدسی حاکی از تجلی عوالم برتر در ساحت نفسانی و ماده است. امر قدسی منبع و مبدا سنت است امر قدسی خود را در چیزهای عالم متجلی می‌سازد. سنت امر قدسی را بر عقل و دل آدمی انتقال می‌دهد. سنت‌گرایان معتقدند انسان مدرن درک و فهم امر قدسی را از دست داده و در ناپایداری و بی‌قراری است لذا برای ارضای نیاز به هزار و یک راه از جمله عرفان‌های کاذب توسل می‌جوید. شناخت امر قدسی منجر به رهایی و رستگاری از هرگونه بردگی و محدودیت می‌شود. شناخت امر قدسی و اتصال معنوی خلای است که سنت‌گرایان آنرا ضرورتی به اندازه نفس کشیدن می‌دانند (نصر، ۱۳۹۶ ص ۲۶۱).

درک حقیقت

معرفت قدسی باید شامل گونه‌ای شناخت عالم باشد که البته صرفاً یک شناخت تجربی از عالم یا بیان احساس نسبت به زیبایی‌های آن نیست. در درک حقیقت تأکید بر این است که انسان امر قدسی را در تمامی مراحل زندگی خود ساری و جاری کند. یکی از لوازم درک حقیقت، استفاده از اصل هنر مقدس به عنوان شاهراه وصول به معنویت است: «هنر سنتی حقایق معنوی و مینوی را انعکاس می‌دهد. بدین صورت این هنر در سطح مادی تجلی‌گاه حقیقت ملکوتی است» (کوماراسوامی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۲).

رفع شکاف‌های درونی

در دنیای متجدد نسبت به امکانات وجودی انسان شکاف عمیقی رخ داده و هیچ‌کدام کارکرد درست خود را باز نمی‌شناسند. اگر تمام این امکانات باهم عمل نکنند کارکرد درستی را شاهد نخواهیم بود. و باید در یک جا جمع شوند و وحدت یابند. «علت اساسی ناخوشی انسان فقدان ارتباط مستقیم میان این جهان و جهان پس از مرگ از درون اوست و در نتیجه، نیز فقدان حساسیت نفس نسبت به جاذبه الهی قلب، به عنوان تنها عاملی که می‌تواند خواهش‌های برون‌سویی را موازنه کند؛ و وقتی این خواهش‌های یک‌سویه مهار نشوند بافت عناصر روانی مختلف هم این‌چنین سست‌تر و سست‌تر و نفس بشر از وحدت و انسجامش دورتر و دورتر، و سادگی و اخلاصش کمتر و کمتر می‌شود. مقصود دین در مجموع، رفع همه شکاف‌های درونی انسان به واسطه راه‌اندازی محرکی در نفس به سوی مرکز است تا بار دیگر در محدوده جاذبه قلب قرار گیرد؛ و این در مورد هر امری که کارکرد معنوی داشته باشد صادق است (لینگز، ۱۳۹۶ ص ۶۶).

پرورش و کمال امکانات درونی

حکمت جاویدان می‌خواهد راه و روش تفسیر انسان را در اختیار او بگذارد. سنت‌گرایان، معتقدند در دنیا هیچ نگرش کاملی به تعلیم و تربیت در کار نیست و همچنین می‌گویند، تقطیع و جداسازی تعلیم و تربیت از دیگر فعالیت‌های اجتماعی، بی‌گمان کل جامعه را به مخاطره می‌افکند. از این رو پرورش همه اجزای وجودی آدمی را باهم و به یک اندازه می‌دانند. سنت‌گرایان هدف از تعلیم و تربیت را به کمال رساندن و فعلیت بخشیدن به تمامی امکانات نفس انسان می‌دانند. هدف نهایی از

تعلیم و تربیت، حتی زمانی که فرد در علوم طبیعی تبحر می‌یابد، سلطه بر عالم و کسب قدرت خارجی نیست، که مسلط شدن بر نفس است (شوان، ۱۳۸۸ ص ۵۹).

بازیابی هویت قدسی

هدف اساسی در این جریان این است که انسان از خودش آگاه باشد، شأن خود را بفهمد که پیوند عمیق با کائنات دارد. سنت‌گرایی می‌خواهد مفهوم انسان را توضیح دهد و انسان را به تلاش وادارد تا به جایی برسد که کل ذاتش در ارتباط با خدا باشد. و بداند که مسائل جزئی و پراکنده ربطی به ذات انسان بودنش ندارد و باید از این مسائل دست بکشد و به سمت خدا بیاید. تنها در این صورت است که از بی‌هویتی و سرگردانی دوره مدرن رهایی تواند یافت (نصر، ۱۳۹۲ ص ۲۵۰-۱۰۷).

اصول و مبانی تربیت در سنت‌گرایی

وحدت متعالی ادیان

سنت‌گرایی از دریچه‌ی معنوی به پدیده‌های عالم می‌نگرد و در پس هر شیئی معنای متصل به حقیقت نامتها را می‌بیند از مهمترین آموزه‌های معرفتی‌شان، «وحدت استعلایی ادیان» است. ادیان بیش از یک حقیقت و گوهر ندارند. همه ادیان اساساً در بر دارنده حقیقت هستند ولی متناسب با شرایط و قابلیت‌های بشری به صور گوناگون بوسیله وحی متجلی می‌شود. این اصل در بحث تعلیم و تربیت می‌تواند جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. یکی از مهمترین اصل در نظام تربیتی سنت‌گرایی را می‌توان اصل نگاه ویژه به ادیان و نگاه تسامح و تساهل آمیز دانست.

توحید اساسی‌ترین اصل همه ادیان است. در نظرگاه سنت‌گرایی توحید، عامل به وحدت رسیدن است. نابسامانی اوضاع بشر را فاصله گرفتن از این اصل می‌دانند این اصل در تربیت می‌گوید که همه چیز عالم را به منشا آن ربط دهیم. این اصل در صدد است تا خلأهای درونی انسان پر شود و به یک هماهنگی و وحدت درونی دست یابد. می‌خواهد انسان به جایگاه و مقام خود بر روی زمین واقف شود و به سمت هدفی سرازیر شود که سعادتش در گرو آن است. به علاوه با هدف تأمین سعادت همگانی بشری، سعی دارند به وحدت بیرونی نیز برسانند.

حاکمیت امر قدسی

اصل اساسی در این جریان این است که انسان از خودش آگاه باشد، شأن خود را بفهمد که پیوند عمیق با کائنات دارد. همه چیز در پیوند با این اصل تعریف می‌شود. امر قدسی حاکی از تجلی عوالم برتر در ساحت‌های نفسانی و مادی هستی است. همه موجوداتی را که در عالم مشاهده می‌کنیم حکایت از امر قدسی دارد. همه چیز نشانه امر قدسی است، بارزترین و برجسته‌ترین بحث امر قدسی در زمین وحی است. برای وصول به اهداف امر قدسی باید محتوای وحی در تربیت به کار گرفته شود. علم مقدس باید به صورت روشن و واضح توضیح داده شود. سنت باید به عنوان امر مقدس تفهیم گردد.

محوریت سنت

فرهنگ سنت باید بازگردانده شود یعنی آموزه‌های آن سرلوحه قرار بگیرد سنت باید در تمام شئون زندگی افراد و جامعه حضوری گسترده و جدی داشته باشد. سنت بخشی از زندگی نیست که تمام آن است. با تربیت سنتی می‌شود تمامی امکانات درونی به کار گرفته شود و در راستای هدفی مانا و اخروی به نظم و هماهنگی در آید و مرهمی بر اشفتگی و ناآرامی در عصر حاضر باشد.

محوریت معنویت

دنیای امروز مخلوط آشفته‌ای از آمال و آراء متزاحم است. انسان که به‌طور فطری برای عبودیت مجهز شده است نمی‌تواند عبادت نکند؛ و اگر چشم‌انداز او از پهنه معنوی بریده شود، در سطحی پایین‌تر خداوندگاری می‌یابد که او را پرستش کند و بدین ترتیب آنچه را تنها و تنها متعلق به مطلق است به یک امر نسبی اعطا می‌کند (لینگز، ۱۳۹۶ ص ۸۰-۷۸).

سنت‌گرایان غیر قدسی شدن و معنویت زدایی از عالم را بحران اصلی دوران متجدد می‌دانند. دنیای مدرن باعث ایجاد نیازهای کاذب در بشر گشته و توجه بیش از اندازه به این نیازها منجر به تضعیف تعقل می‌شود و هرآن ذهن انسان را درگیر این مسائل می‌کند و آسیب بزرگتر اینکه آن احساس معنوی را از کف انسان می‌رباید. سنت‌گرایان معتقدند بسیاری از بحران‌های حاصله در

دوره جدید، نگرش غلط به عالم است. آنچه به انسان هویت می‌دهد معنویت است. نگاه معنوی به عالم، کلید حل بحران‌های حاصله در دوره جدید است (گنون، ۱۳۸۴ ص ۱۸۹).

وجود هنر مقدس

یک اثر هنری اصیل می‌تواند تغییراتی اساسی در بنیان فکری مردمان خود ایجاد کند تا جهان اندیشه را تغییر دهند. هنرمندان آموزگاران جامعه خود هستند و قصدشان مخاطب قراردادن یک جامعه است و تلاش می‌کنند تا با خلق آثار هنری خود ملت‌ها را ترغیب به دیدن و مکاشفه کنند تا شاید با تجدید نظر در نوع بینش خود به تغییر در روش زندگانی، بر پایه تفکر و تعمق بیشتر در باب نیک‌اندیشی شاهد تغییرات باشند و اسباب قوام‌یافتگی فکری، فرهنگی و اجتماعی را برای جهانی زیباتر مهیا کنند (لینتن، ۱۳۸۳: ۴۲۵).

سنت‌گرایان نیاز ما به زیبایی را به اندازه هوا برای نفس کشیدن مهم می‌دانند و اذعان دارند که زیبایی بخشی از نیازهای ما است و داشتن یک زندگی بهنجار انسانی را در گرو آن می‌دانند هنر وسیله‌ای است که حقیقت در ما فراموش نشود. به وسیله ابزار هنری می‌توان حقیقت را صورت‌بندی کرد و از طریق آن صورت‌بندی به حقیقت رهنمون شد (جهانگل، ۱۳۹۵: ۳۴۳). از منظر سنت‌گرایی هستی امری رازآلود است که باید با بیانی نمادین و رمزگونه به بیان آید. امر مطلق اساساً بیان‌ناپذیر است و تجلی آن در عالم محسوسات از طریق صورت امکان‌پذیر است (بورکهارت، ۱۳۹۰ ص ۱۵). معتقدند بی‌نماد هیچ هنر مقدسی در کار نیست (نصر، ۱۳۹۵ ص ۳۵۴). فهم سنت‌گرایی از هنر مقدس در گرو فهم بسیار دقیقی از ماهیت سمبولیسم است. نگاه سنت‌گرایی به اشیا و عالم نگاهی دوبعدی است و معتقدند در پس صورت‌های ظاهری، حقیقتی است که ما را فرامی‌خواند. هنر مقدس برخلاف سایر هنرها، و به‌واسطه سمبل‌های منحصر به فردش، کل وجود شخص را مخاطب قرار می‌دهد و نه ذهن تنها را و از این راه تعالیم موردنظر سنت را فعلیت می‌بخشد. سنت‌گرایان معتقدند که بیشتر افراد صورت‌های مادی را بهتر از اندیشه‌های انتزاعی درک می‌کنند بنابراین به این نوع هنر پذیرا تر هستند (الدمو، ۱۳۸۹ ص ۲۴۲). صور زیبا به ما، فرصتی می‌دهد برای یادآوری دوباره حقیقت وجود آدمی بدین ترتیب، زیبایی از ابزار اساسی کسب معرفت است. سنت‌گرایان توجه ویژه‌ای به هنر در امر تربیت دارند. زیبایی برایشان بسی مهم است توجه به زیبایی را در تربیت یک اصل می‌بینند. هنر می‌تواند یکی از

راه‌های وصول به حقیقت باشد. در سنت‌گرایی با هنر هم می‌توان به آرمان‌های تربیت دینی رسید. در حقیقت سنت‌گرایان هنر و زیبایی را به این دلیل تجویز می‌کنند که صورتی زیباتر از دین ارائه می‌دهد. از آنجاکه انسان‌ها اشکال مادی را بهتر درک می‌کنند سنت‌گرایی به خلق آثار هنری می‌پردازد تا اصول معنوی را به تصویر بکشد و آموزش دهد. معتقدند هنر وسیله‌ای برای گسترش معنویت در وجود آدمی است (کوماراسوامی، ۱۳۸۶ ص ۲۱۲).

با توجه به اینکه روح ما دوستدار چیزهایی است که آنها را زیبا می‌بیند، و آنچه را دوست دارد نیز زیبا می‌بیند. همچنین زیبایی از نوعی همگرایی برخوردار است و باعث می‌شود عناصر ازهم‌گسیخته، جان و روان با نوعی آرامش، کنار هم قرار می‌گیرند. به همین دلیل زیبایی به آرامش مربوط می‌شود و قدرت آرام‌سازی قابل توجهی دارد. نگاه سنت‌گرایان به دین و مقصود آن رفع همه شکاف‌های درونی انسان با استفاده از ایجاد جذابیت است که قلب را تحت تأثیر خود قرار دهد و از این طریق حس معنویت را در وی ایجاد کند. برای مثال «وقتی در یک اثر هنری حقیقتا قدسی تأمل می‌کنیم، همه نفس‌ها، یکجا، به‌صورت یک کل واحد جمع می‌شود، چنان‌که گویی به یک فراخوان زمینی پاسخ می‌دهد» (لینگز، ۱۳۹۶ ص ۶۶).

روش‌های تربیتی

پیوند عقل و وحی

همانطور که ذکر شد سنت‌گرایان، معتقدند در دنیا هیچ نگرش کاملی به تعلیم و تربیت در کار نیست. همچنین عنوان می‌کنند، تقطیع و جداسازی تعلیم و تربیت از دیگر فعالیت‌های اجتماعی، بی‌گمان کل جامعه را به مخاطره می‌افکند از این رو پرورش همه اجزای وجودی آدمی را باهم و به یک اندازه می‌دانند. عمده‌ترین دلیل نیاز به وحی حضور موانع پیش روی عقل است که نمی‌گذارد عقل به درستی عمل کند و موجب غفلت می‌شود. وحی انسان را از این خواب بیدار می‌کند و حقیقت وی را به او یادآوری می‌کند وحی یک منبع خطاناپذیر برای حضوری آگاهانه در عالم است وحی به انسان کمک می‌کند تا به طور شایسته‌ای در عالم زندگی کند. آدمی تنها با اتکا به عقل خود نمی‌تواند به معرفت قدسی دست یابد او محتاج وحی است تا عقل را در کلیت آن در وی محقق سازد. سنت‌گرایان، معرفت را برترین راه رسیدن به امر قدسی به وسیله عقل می‌دانند، عقلی که بتواند کارکرد درستش را باز یابد (نصر، ۱۳۹۶ ص ۱۰).

پیوستگی اندیشه و عمل

فکر منشأ عمل است، عمل نیز می‌تواند در اندیشه اثر بگذارد، اما در اندیشه سنت‌گرایی اصل اندیشه است که منشأ عمل می‌شود. سنت‌گرایی شناخت و عمل را در مرتبه پایین‌تر مکمل و تقویت کننده یکدیگر می‌داند نه در تقابل یکدیگر؛ زیرا در تقابل شناخت و عمل، ناهماهنگی و عدم تعادل رخ می‌دهد. سنت‌گرایی قائل بر این است که مبدأ شناخت هر چیزی متصل به عامل شهودی یا ماورائی آن است یعنی علت هیچ چیز در درون خود آن نیست که از مبدأ واحدی حاصل می‌شود (گنون، ۱۳۹۳ ص ۵۷).

نگاه توأمان به روح و ماده

در تفکر سنت‌گرایی، جهان ادراکات حسی به مقوله‌های کمی تنزل نمی‌یابد؛ که قائل به محتوای کیفی نیز برای اشیاء است. «محتوای کیفی چیزها متعلق به ماده نیست، که صرفاً آئینه آن است و آن را منعکس می‌کند. تعلیم سنتی‌ای که بین صورت و ماده تمایز می‌نهد، حق این واقعیت را کاملاً ادا می‌کند که چیزها در سطوح مختلف دارای معانی بسیار هستند و نیز اینکه همانطور که از کمیت برخوردارند کیفیت نیز دارند». تعلیم سنتی، این دو قطب را تفکیک و تقسیم نمی‌کند، که هر دو را با توجه به مکمل‌گری متقابلشان در نظر می‌گیرد. یعنی همانقدر که به تربیت کالبد توجه کنیم به تربیت روح نیز توجه کنیم یعنی آموزش امور مادی توأمان با امور معنوی باشد. معنویت به صورت عمیق عرضه شود. باید مطالب ابتدا به صورت ملموس و مادی توضیح داده شود تا کم‌کم بتوان به معنایش رسوخ کرد و این را نیز باید دانست که هر ماده‌ای که در عالم وجود دارد دارای بعد روحی یا معنوی است (بورکهارت، ۱۳۹۴ ص ۶۹-۶۸).

بهره‌مندی از هنر مقدس

هنر وسیله‌ای است که با استفاده از آن می‌توان در نوع تربیت انسان دخل و تصرف کرد، با هنر می‌شود به مخاطب هنر زیبا دیدن و زیبا اندیشیدن را آموخت. هنرمندان آموزگاران جامعه خود هستند و قصدشان مخاطب قراردادن یک جامعه است و تلاش می‌کنند تا با خلق آثار هنری خود ملت‌ها را ترغیب به دیدن و مکاشفه کنند تا شاید با تجدید نظر در نوع بینش خود به تغییر در روش زندگانی، بر پایه تفکر و تعمق بیشتر در باب نیک‌اندیشی شاهد تغییرات باشند و اسباب قوام‌یافتگی

فکری، فرهنگی و اجتماعی را برای جهانی زیباتر مهیا کنند (لینتن، ۱۳۸۳ ص ۴۲۵). سنت گرایان نیاز ما به زیبایی را به اندازه هوا برای نفس کشیدن مهم قلمداد می کنند و اذعان دارند که زیبایی بخشی از نیازهای ما است و داشتن یک زندگی معتدل انسانی را در گرو آن می دانند. سنت گرایان توجه ویژه ای به هنر در امر تربیت دارند. هنر می تواند یکی از راه های وصول به حقیقت باشد.

اتصال معنوی

سنت گرایان معتقدند مدرنیته آنچه که در شأن انسان است را از او ربوده و آنان را دلخوش و سرگرم چیزهایی کرده که نه پایداری دارد و نه خواسته اصلی درونی اش را تأمین می کند. انسان متصل با مبدأی است نامنتها اما مشکل اساسی بشر این است که خود را مستقل از این عالم می داند و در نتیجه دچار بحران معنویت شده است. سنت تعلیم های لازم را برای شناخت این عرصه در خود دارد همچنین نیروی آن نیز در انسان نهاده شده است.

سلوک عرفانی

سنت گرایان عرفان را به عنوان یکی از راه های زاهدانه برای درک و کشف حقیقت می دانند. معتقدند حرکت انسان به سمت خداوند تنها از طریق وحی ممکن است. سلوک عرفانی از آفاق به انفس هستی، فقط به برکت موهبت وحی محقق می شود. رسیدن به هدف خلقت تنها با عنایت وحی، به هر قالب و شکلی میسر است که در ادیان مختلف نازل شده است (شوان، ۱۹۸۴ ص ۳). مراد از تربیت دینی نزد سنت گرایان، تربیت عرفانی است. دین را به معنای باطنی و عرفانی آن می فهمند. تعبیری که از دین دارند تعبیری عرفانی است. سنت ابزارهایی در اختیار دارد که انسان با استفاده از آن می تواند به کاوش در درون خود، آن گوهرهای باطنی خود را کشف کند. با هماهنگ کردن تمام امکانات وجودی و پالودن و پیراستن خود، می توان درک صحیحی از خود و از عالم نامتناهی پیدا کرد. در نظر سنت گرایان بعد عرفانی ادیان حائز اهمیت است و تفکیک بعد ظاهری دین از بعد باطنی آن متأثر از بیش عرفانی آنهاست با تکیه بر بعد باطنی درصدد ایجاد صلح و وحدت هستند. در ادراک، ویژگی حقیقی سیر و سلوک نقش اساسی دارد و آن اینکه انباشتن حافظه روش رسیدن به این آموزه نیست و همانند علوم عادی یا غیر قدسی با مطالعه کتب نمی توان بدان دست یافت (گنون، ۱۳۸۹ ص ۲۹).

مراقبه

روشی که می‌توان در سنت‌گرایی در مورد آن بحث کرد روش مراقبه‌ای است مراقبت از هرگونه آمال و آراء پراکنده و غیره. پرهیز از هرچیزی که وجود انسان را آلوده می‌کنند سهل‌تر از آن است که درگیر این آلودگی‌ها شود و سپس بخواهد آن‌ها را از خود بزدايد. در روش مراقبه‌ای ابتدا باید از مواردی که آلوده‌کننده هستند دوری جست. دوری از آلودگی‌ها خود، زمینه را برای شکوفایی درونی انسان فراهم می‌آورد. انسان همواره با این نیت زندگی کند که بدانچه باعث قرب به خدا می‌شود عمل کند و در همان حال از آنچه باعث دوری از خدا می‌شود پرهیزد (شوان، ۱۳۹۳ ص ۸۴).

۷۹

پژشنامه ادیان

نتیجه‌گیری

اهداف تربیت

خدای‌گونه شدن، حقیقت‌جویی، هویت‌یابی، رفع شکاف‌های درونی، پرورش و کمال امکانات وجودی، بازیابی امر قدسی، درک حقیقت.

اصول و مبانی تربیت

محوریت سنت، حاکمیت امر قدسی، محوریت معنویت، وحدت متعالی ادیان، هنر مقدس.

روش‌های تربیت

پیوستگی شناخت و عمل، نگاه توأمان به روح و ماده، به کارگیری هنر مقدس، اتصال معنوی، طریق سلوک، مراقبه.

منابع

- آرمانی، حمید (۱۴۰۱). جایگاه هنر مقدس در تربیت عصر نوین، دوفصلنامه فلسفه تربیت، صص. ۷۴-۵۱.
- ال‌دمو، کنت، (۱۳۸۹). سنت‌گرایی دین در پرتو فلسفه جاویدان، ترجمه رضا کورنگ بهشتی، تهران: حکمت.

- بورکهارت، تیتوس (۱۳۹۴). کیمیا: علم جهان علم جان، ترجمه گلماز رعدی آذرخشی و پروین فرامرزی، نشر کیمیای حضور.
- (۱۳۸۹). جهان‌شناسی سنتی و علم جدید، ترجمه‌ی حسن آذرکار، نشر حکمت.
- (۱۳۷۴). درآمدی بر آئین تصوف، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۵۵). «نظری به اصول و فلسفه هنر اسلامی» ترجمه اعوانی، جاویدان خرد، شماره ۲ صص. ۳۰-۱۸.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵). هنر اسامی زبان و بیان. ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات سروش.
- شوان، فریتیوف (۱۳۸۱). گوهر و صدف عرفان اسلامی، ترجمه مینو حجت، تهران، سهروردی.
- (1388). انسان شناسی معنوی، ترجمه علیرضا رضایت، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۳۸، صص. ۶۱-۵۹.
- شوان، فریتیوف (۱۳۹۳). مابعدالطبیعه جامع، ترجمه رضا کورنگ بهشتی و فاطمه صانعی، نشر کیمیای حضور.
- شوان، فریتیوف (۱۳۷۲). مقاله‌ی اصول و معیارهای هنر جهانی از کتاب مبانی هنر معنوی، ترجمه نصر، تهران، نشر حوزه هنری.
- شوان، فریتیوف (۱۳۹۰). منطق و تعالی، ترجمه حسین خندق آبادی، تهران، نشر نگاه معاصر.
- گنون، رنه (۱۳۸۴). سیطره کمیت و علائم آخرالزمان، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- گنون، رنه (۱۳۹۳). بحران دنیای متجدد، ترجمه حسن عزیزی، نشر کیمیای حضور.
- لینگز، مارتین (۱۳۹۶). باورهای کهن و خرافه‌های مدرن، ترجمه سعید تهرانی نسب، تهران، حکمت.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۶). معرفت و امر قدسی، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، تهران نشر فروزان روز.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۳). نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میاننداری، قم، نشر طه.
- (۱۳۸۸). معرفت و معنویت، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، نشر سهروردی.

- (۱۳۸۶). دین و نظم طبیعت، ترجمه انشا الله رحمتی، تهران، نشر نی.
- (۱۳۹۱). در مسیر سنت گرایی، ترجمه مسعود رضوی، نشر علم.
- (۱۳۹۲). انسان سنتی و مدرن، ترجمه مهدی نجفی افرا، تهران، جامی.
- (۱۳۹۴). گلشن حقیقت، ترجمه ان شاء الله رحمتی، تهران، نشر سوفیا.
- (1392). انسان سنتی و مدرن، ترجمه مهدی نجفی افرا، تهران، جامی.
- فرهنگ، علیرضا و قدرت الهی، احسان (۱۳۹۴). ساحت و حیانی دین از منظر سنت گرایان و نواندیشان دینی معاصر، فصلنامه اندیشه دینی، دوره ۱۵، شماره ۲، پایپ، ۵۵، صص ۹۲-۷۵.
- عطوفی، طاهره (۱۳۸۹). سنت گرایان، فرهنگ پژوهش، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۶۸-۱۴۵.
- باقری، خسرو، با همکاری نرگس سجادیه و طیه توسلی (۱۳۹۴). رویکردها و روش های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- جهاننگلو، رامین (۱۳۹۵). در جست و جوی امر قدسی، ترجمه مصطفی شهر آیینی، تهران، نشر نی.
- پیتز، سینگر (۱۳۸۷). هگل، ترجمه عزت الله فولادوند، انتشارات طرح نو.
- کوماراسوامی، آندانا (۱۳۹۰). مبانی سنتی هنر و زندگی: تأملی در کتاب رقص شیوای آندانا کوماراسوامی، ترجمه امیرحسن.
- ذکرگو، تهران؛ مؤسسه تألیف.
- کوئین، ویلیام (۱۳۹۵). یگانه سنت، رحیم قاسمیان، نشر کیمیای حضور.
- گنون، رنه (۱۳۹۳). بحران دنیای متجدد، ترجمه حسن عزیزی، نشر کیمیای حضور.
- (۱۳۸۴). سیطره کمیت و علائم آخرالزمان، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- لینگز، مارتین (۱۳۹۶). باورهای کهن و خرافه های مدرن، ترجمه سعید تهرانی نسب، تهران، حکمت.
- هرینگتون، آستین، (۱۳۹۲). نظریه های فلسفی و جامعه شناختی در هنر، ترجمه و تالیف علی رامین، تهران، نشر نی.
- لیتن، نوربرت (۱۳۸۳). هنر مدرن، مترجم علی رامین، نشر نی، تهران، ص ۴۲۵.
- Schuon (1987). Spiritual Perspectives and Human Facts. Trans. P. N.Townsend. London: Perennial.

- Schuon (1984). Transcendent unity of Religion, wheaton: Theosophical publishing House.
- Schuon (1984), Logic and transcendence. Trans. Peter N.Townsend. London: Perennial Books.
- Schuon (1981). Esoterism as Principle and as Way, Trans. William Stoddart. London: Perennial Books.
- Frithjof Schuon (1976), Islam and the Perennial philosophy, Al Tajir Trust.
- Coomaraswamy, Ananda. (1955). the Christian and oriental. philosophy of art, newYork: dover publication.
- Ortega y Gasset, J., En Torno a Galileo. (Esquema de las Crisis), Madrid, Revista de Occi, dente, 1976, p.64.
- Wiliams, R., Culture, London and Glasgow, Fontana, 1981.